

● گل و ستاره، (دنیای تصویرها در شعر فارسی)

● آنه ماری شیمل

● ترجمه: دکتر سیدسعید فیروزآبادی

● نشر پیام خاور، ۲۸۷ صفحه، ۱۳۸۳

خاورشناسان و اسلام‌شناسان دنیای غرب، هرگاه با زبان و فرهنگ و ادب یکی از کشورهای شرقی به ویژه کشوری که از پشتوانه‌ای فرهنگی و ادبی غنی و دیرینه بهره‌مند باشد آشنا می‌شوند، رفته رفته با تاریخ و ادبیات آن کشور چنان انس و الفتی می‌یابند که گاه به مرز عشق و ایثار می‌رسد و از آن پس همه‌ی زندگی خود را وقف این فرهنگ و ادب کهنسال می‌کنند. حاصل این همه شیفتگی، گاه انبوه نوشته‌ها و آثاری است که از سر صدق و صفا به نگارش در می‌آید و به صورت گنجینه‌ای از ادبیات جهانی ماندگار می‌شود.

خانم آنه ماری شیمل، خاورشناس آلمانی که همین دو سال پیش در سن ۸۱ سالگی درگذشت، یکی از این عاشقان فرهنگ و ادب شرق و به ویژه فرهنگ و عرفان اسلامی بود. او ضمن مطالعه و پژوهش در آثار و دستنوشته‌های دینی و اسلامی، بارها به سفر رفته و با مردمانی از سراسر جهان دیدار داشته است؛ در نوزده سالگی درجه‌ی دکتری گرفته و در بیست و سه سالگی رساله‌ی استادی‌اش را نوشته است.

خانم شیمل به فرهنگ و ادب ایران نیز عشق می‌ورزید و به ایران دلبستگی زیادی داشت و بارها به کشور ما سفر کرده بود و بسیاری از ادیبان و فرهنگیان و پژوهشگران متون عرفانی، وجود او را برای تعالی فرهنگ و ادب و دین و تاریخ ما ثمربخش می‌دانستند و به سخنانش با علاقه گوش می‌دادند و نوشته‌هایش را با جان و دل و با لذت می‌خواندند. او پاره‌ای از متون

ادبیات فارسی را به زبان آلمانی ترجمه کرده و آثاری نیز درباره مولوی و شمس و دیگران نوشته است و کتاب‌هایی نیز از او به فارسی ترجمه شده است.

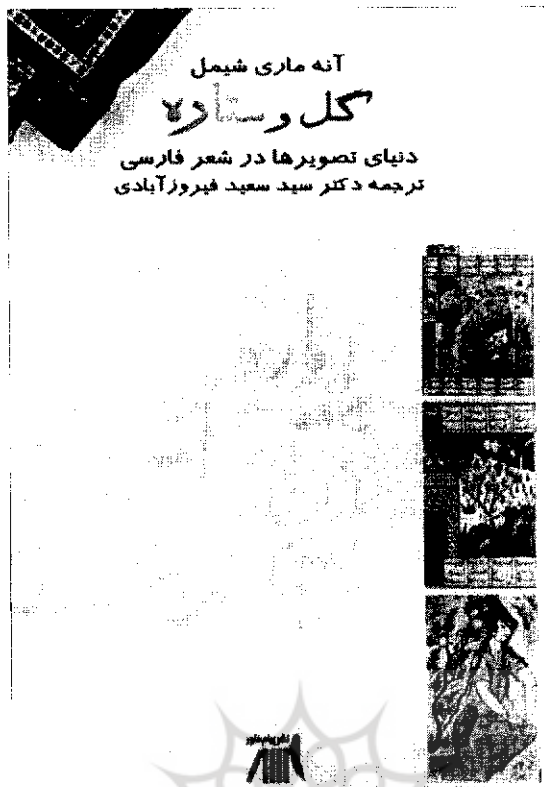
کتاب گل و ستاره یکی از تازه‌ترین ترجمه‌های آثار او به زبان فارسی است، کتابی نسبتاً کم حجم اما بسیار پرمایه که می‌تواند هم برای علاقه‌مندان به ادبیات فارسی به ویژه شعر فارسی جذاب باشد و هم به دانشجویان رشته‌ی ادبیات فارسی بیاموزد که چگونه به ارزیابی یک اثر ادبی کلاسیک بپردازند و به جای غرق شدن در بحث‌های لغوی و برداشت‌های احساساتی و شخصی به معانی کلی و یک پارچه و تاثیرگذار و ارزش زیبایی‌شناختی اثر توجه نشان دهند و لایه‌های زیرین و انگیزه‌های نهفته در شعر و معنای عام و بشری آن را دریابند.

کتاب در اصل برگرفته از متون درس‌هایی است که خانم شیمیل برای دانشجویان دانشگاه هاروارد امریکا و به منظور آشنا ساختن آن‌ها با شعر فارسی فراهم کرده است و در این رهگذر او، تنها به شعر شاعرانی که ایرانی یا در ایران بوده‌اند بسنده نکرده و نمونه‌های زیادی از آثار شاعران فارسی زبان سرزمین‌های دیگر همچون هند و ترکیه را نیز مورد بررسی قرار داده است.

نثر شیمیل غالباً ساده و راحت و مفهوم است و در نوشته‌های خود می‌کوشد متون ادبی و عرفانی گاه پیچیده را با مطالب شیرین و طنزآمیز در آمیزد. نثر او به خلاف نثر پاره‌ای از استادان دانشگاه‌ها، خشک و آکادمیک نیست. می‌گویند نوشته‌های پژوهشی پاره‌ای از استادان تاریخ ادبیات و عرفان و فلسفه اسلامی گاه چنان دشوار و قدیمی است که از خود متون مورد تحقیق پیچیده‌تر و دشوارتر است و چنان به نظر می‌رسد که آن‌ها، مطالب خود را برای هم سن و سالانشان می‌نویسند و نه برای خوانندگان عادی و دانشجویان امروزی. خانم شیمیل در دانشگاه هاروارد امریکا، در پی آن بوده است که دانشجویانش را با مبانی فرهنگ اسلامی و اسلام‌شناسی آشنا کند، طوری که دانشجویان دریابند برای درک شعرهای مشرق زمین، نیاز به فهم کامل سیر معنویات این گوشه از جهان دارند.

خانم شیمیل چیزی حدود ۲۵ سال در دانشگاه هاروارد بود و از متون مربوط به عرفان اسلامی گرفته تا ادبیات و شعر فارسی را تدریس کرده است. او از این دوران خاطراتی شتیدنی دارد. از جمله در کتابی نوشته است که یکی از دانشجویانش چون معتاد بوده مجبور به ترک تحصیل شده و یک سال بعد با تلفن با او تماس گرفته و او را به شام دعوت کرده است. «بعدهاً فهمیدم می‌خواهد در ایالت کالیفرنیا رستورانی باز کند و داشت آشپزی یاد می‌گرفت. شامی که در آشپزخانه‌ی دوستش درست کرده بود، درجه‌ی یک بود. امیدوارم که در آشپزیش بیشتر از درس شعرهای حماسی فارسی موفق باشد!»

همچنین می‌نویسد که یکی از جالب‌ترین خاطراتش مربوط به درس مولوی بوده و آقایی به



نام «جان» که کارمند وزارت امور خارجه بوده در این کلاس‌ها شرکت می‌کرده است. این شخص بعدها، در سال ۱۹۸۰ در شمار یکی از گروگان‌های امریکایی در ایران بوده و ده دوازده سال بعد به طور اتفاقی او را در دانشگاه هاروارد می‌بیند. در آن زمان، خانم شیمل در مراسم تودیع خود به ایراد سخنرانی می‌پردازد و «جان» از او درخواست می‌کند که اجازه دهد نکته‌ای برگرفته‌های او بیفزاید و سپس «جان» برای دانشجویان تعریف می‌کند که حین گروگان‌گیری در ایران، اشعار مولوی و اقبال را می‌خوانده است و به همین دلیل، نگهبانان، رفتاری کاملاً متفاوت با او داشته‌اند و او را از خود و به عنوان کسی می‌دانسته‌اند که بهترین بخش فرهنگ آنان را می‌شناخته و به آن عشق می‌ورزیده است. خانم شیمل می‌افزاید:

«آیا پایانی زیباتر از این برای بیست و پنج سال تدریس در هاروارد - منظوم شعر عرفانی به عنوان میانجی دو دنیای ظاهراً خصم یکدیگر - وجود دارد؟»

خانم شیمل در تمامی دوران بیست و پنج سال تدریس در هاروارد، زندگی تقریباً درویشانه‌ای داشته است و شاید تحت تاثیر وارستگی‌های ناشی از مطالعه‌ی متون عرفانی و اسلامی هرگز در پی مال و منال دنیوی نبوده و به نوعی به مرحله‌ی قناعت رسیده بوده و سخت مراقب مادرش بوده که تا نود سالگی عمر کرده و شاید که باز هم تحت تاثیر همین وارستگی‌های شرقی بیشتر هم و غمش، ضمن مطالعه و پژوهش‌های مستمر، پرستاری از این مادر بوده است.

او در مورد زندگی در امریکا می‌نویسد که به رغم موفقیت‌هایی که به دست آورده و دوستان خوبی که داشته «هیچ‌گاه امریکا وطن من نشد. آیا این اشتباه آن پرنده‌ی استوایی نبود که از تبعیدگاه خود در غرب در اشتیاق بازگشت به وطن خود در شرق می‌سوخت؟»

خانم شیمیل ضمن توصیف خصوصیات استادانی که در هاروارد تدریس می‌کردند، از کوری ولس متخصص هنر اسلامی و هندی به نیکی یاد می‌کند که «با دانش گسترده‌ی خود همگان را مسحور می‌ساخت.» روزی از شیمیل می‌پرسند که چرا همیشه در کلاس‌های کوری شرکت می‌کند و او در پاسخ می‌گوید «چون او شیوه‌ی دیدن را می‌آموزاند.» و این نکته‌ی بسیار مهمی است که خانم شیمیل به آن اشاره می‌کند. او در بررسی و تحلیل شعرهای فارسی کتاب «گل و ستاره» هم اهمیت همین «دید» و «دیدگاه» را مدّ نظر قرار داده و نکته‌های بدیعی را باز یافته است. مقصود افق دید است و درست دیدن که به فهم بهتر معنای نهفته در شعرها یاری می‌رساند. شیمیل نوسان‌های «حقیقی» و «مجازی» زبان رمزی شعرهای صوفیانه را باز می‌کاود و به شیوه‌ای تقریباً تفسیرگرانه به معنای ساختاری شعرها دست می‌یابد. او با مطالعات گسترده‌ی خود در شعرهای فارسی سرزمین‌های گوناگون به این نتیجه رسیده است که نوعی بینش عرفانی بر بیشتر شعرهای فارسی سایه افکنده است.

۳۸۳

خانم شیمیل در کتاب «گل و ستاره» با توجه به همین دیدگاه، کار خود را با حافظ آغاز می‌کند و ضمن بررسی پژوهش‌های شرق‌شناسی از ترجمه‌های گوناگونی که از شعرهای حافظ به زبان‌های دیگر و از جمله زبان آلمانی شده سخن به میان می‌آورد و آن‌گاه، معانی چندگانه یک بیت از یک غزل حافظ را که در آن شاعر از معشوق گله می‌کند که چرا مدت‌هاست پیامی نفرستاده، باز می‌گشاید و با اشاره به جنبه‌های دیگر شعر نظر می‌دهد که شاید این شعر «شکایت آن صوفی باشد که در گوشه‌ی عزلت خویش هیچ نشانی از رحمت پروردگار دریافت نکرده است.»

در بخش دیگر، قالب‌های شعر فارسی را همراه با ارائه نمونه‌های متعددی مورد بررسی قرار می‌دهد، از غزل و قصیده گرفته تا رباعی و مثنوی... او مثنوی جلال‌الدین رومی را اثری آموزنده می‌نامد که دایرة‌المعارفی از اندیشه‌های عرفانی و مردمی است و تا امروز نیز همان‌گونه که جامی می‌گوید، این اثر «قرآنی به زبان فارسی» است. در دنیای تصویرهای شعر فارسی هم سری می‌زند و نمونه‌های زنده‌ای از آن را ارائه می‌دهد و نیز درباره‌ی موضوع‌های برگرفته از قرآن که «شاید مهم‌ترین سرچشمه‌ی الهام در شعر فارسی» است بحث می‌کند. موضوع‌های برگرفته از ایران، روم و یونان باستان در شعر فارسی، دلدادگان و شخصیت‌های تاریخی، ترک و هندو، تاریخ و جغرافیا، جلوه‌هایی از طبیعت، سنگ‌های گران بها، باغ‌ها و گیاهان و پرندگان و جانوران،



● صفدر تقی‌زاده

خورشید و باد و دریا و تصاویر برگرفته از زندگی روزمره، لباس و خوشنویسی و رنگ‌ها و طب و موسیقی از جمله مضامین دیگر کتاب است و این همه نشان می‌دهد که خانم شیمیل برای تهیه مطالب گوناگون و توصیف و تشریح نازک‌کاری‌ها و باریک‌بینی‌ها تا چه حد به مطالعه‌ی منابع گوناگون پرداخته و زحمت کشیده و استخوان خرد کرده است.

مترجم کتاب هم الحق با موفقیت از عهده‌ی کارش بر آمده است و هر چند با فروتنی در مقدمه‌ی کتاب گفته است که «این کمینه کم‌ترین کاری جز تلاش برای بازآفرینی جان کلام نویسنده نکرده»، زحمت زیاد کشیده است. ترجمه‌ی این کتاب، کاری تقریباً تخصصی و نسبتاً دشوار است و در موارد بسیار یافتن اصل یک شعر یا منابعی از یک شعر از شاعری که به هیچ نشانی از دیوان یا مرجع شعر او اشاره نشده کار ساده‌ای نیست.

مترجم در کار ترجمه این کتاب، شیوه‌ی ترجمه «نزدیک به اصل» را در پیش گرفته است که البته مطلوب ترجمه‌های متون خلاقه‌ی ادبی مثل شعر است و به خود اجازه نداده است که نکته‌ای مطالب کتاب بیفزاید و یا چیزی از آن بکاهد. حتی همه‌ی زیرنویس‌ها هم از آن نویسنده است. شاید اگر در مواردی، مترجم در زیرنویس، نکته‌ای را یادآور می‌شد می‌توانست برای خواننده یاری دهنده باشد، مثل آنجا که بحث حیوانات و از جمله خر به میان می‌آید و بخشی از یکی از سروده‌های گوته نقل می‌شود:

هر بار سوی مکه روند،

خر عیسی

تغییری نخواهد کرد

و پیوسته همان خر خواهند [خواهد] ماند.

این پاره از شعر گوته، یکی از حکایت‌های گلستان سعدی را تداعی می‌کند: «یکی از وزرا را پسری بود کودن. پیش یکی از دانشمندان فرستاد که مر این را تربیتی کن مگر عاقل گردد. مدتی تعلیم کردش، موثر نیفتاد. پیش پدرش فرستاد که این پسر عاقل نمی‌شود و من دیوانه شدم:

خر عیسی گرش به مکه برند چون بیاید هنوز خر باشد.

اشاره به شعر سعدی، به احتمال می‌توانست برای خوانندگان ایرانی خالی از لطف نباشد. از آن گذشته، در مواردی کوشش شده است شعرهایی به صورت موزون به فارسی ترجمه شود، کاری که بسیار حساس است و غالباً به نتیجه‌ی رضایت بخشی نمی‌انجامد:

چگونه توانم کنم وصف زلف او

زلف بلند است و عمر کوتاه

خواننده با خواندن این بیت دچار تردید و سر درگمی می‌شود که این بیت ترجمه است یا بیتی از سروده‌های یکی از شاعران فارسی زبان. تجربه نشان داده است که ترجمه شعر اروپایی به صورت شعر موزون فارسی، در ادبیات معاصر ما توفیق چندانی نداشته است و به همین دلیل این شیوه‌ی ترجمه‌ی شعر دیگر در میان مترجمان ما رواج نیافت و این گونه شعرها هم با اقبال رو به رو نشد.

دکتر سیدسعید فیروزآبادی با آثاری که اخیراً از زبان آلمانی به فارسی ترجمه و منتشر کرده است، توانایی و شور و شوق خود را در راه اعتلای ادبیات امروز نشان داده است و همت مجذانه او در این راه، قابل ستایش است. او اکنون با سخت‌کوشی خود این توقع را در ما برمی‌انگیزد که آینده‌ای روشن در پیش خواهد داشت و آثار پر بارتری را به ما عرضه خواهد کرد. برایش آرزوی موفقیت می‌کنیم.